

## رساله علمای اسلام؛ یک متن و چند روایت

حمیدرضا دالوند\*

### چکیده

میراث مکتوب زردشتیان به فارسی نوگنجینه‌ای از آثار دینی ادبیات فارسی است که کم‌تر بدان توجه شده است. این متون به تدریج از سده‌های چهارم از بازتولید متون اوستایی و پهلوی پدید آمدند. امروزه، صدها رساله در حوزه‌های فقه، آیین، تفسیر، اسطوره، تاریخ، کلام، ادبیات، روایت، زبان‌شناسی، نجوم، و ... از دستوران کیش زردشتی برجای مانده است. کلام و مباحث کلامی، به‌ضرورت روابط زردشتیان و جامعه اسلامی، از دیرینه‌ترین موضوعات ادبیات فارسی زردشتی است. مهم‌ترین متن کلامی زردشتی به فارسی نو رساله علمای اسلام است. هرچند از نخستین دهه‌های سده نوزدهم پژوهشگران به این اثر توجه کرده‌اند، تا کنون شناخت درستی از بازمانده‌های آن صورت نگرفته است. آنچه شهرت دارد، از این رساله دو تحریر موجود است. این گفتار، با سنجش آنچه از رساله یادشده برجای مانده، در پی آن است تا بر مبنای شواهد متنی و موضوعی برای بازسازی و تدوین مجدد قطعات پراکنده و گزیده‌های مختلف آن پیشنهادی به‌دست دهد.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات فارسی، رساله علمای اسلام، زردشتیان، کلام، کلام زردشتی.

### 1. مقدمه

با فروپاشی دولت ساسانی تشکیلات دینی و نظام موبدسالارانه دیانت زردشتی نه‌تنها رو به سستی و کاستی نهاد، که از درون و بیرون جامعه با چالش‌های سخت و سهمگینی روبه‌رو بود؛ از درون باید به پرسش‌های گوناگون فقهی، حقوقی، فلسفی، و ... اهل دین، که در

\* استادیار پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی zurvandad@yahoo.de

تاریخ دریافت: 1393/2/3، تاریخ پذیرش: 1393/5/23

نتیجه رویارویی با دین اسلام و هم‌میهنان نومسلمان خود پیدا کرده بودند، پاسخ‌های محکم می‌داد و توجیه‌های منطقی ارائه می‌کرد و از بیرون درگیر نبرد بود و نبود و پاسداری از کیان و آموزه‌های کهنی گردید که دین اسلام با طرح مسائل و ارزش‌های نو مدعی آن شده بود. نظام سیاسی ایران اگرچه در دوره‌ای ده الی بیست‌ساله فروپاشید و جای خود را به حکومت اسلامی داد، رویارویی دو دین زردشتی و اسلام بازه زمانی چند صدساله‌ای را دربر گرفت و در این ستیز طولانی با این‌که کیش کهن نیمه‌جان و نزار شد، هرگز میدان را ترک نگفت و به تدریج کوشید آموزه‌های کهن را مطابق با ارزش‌های حاکم جامعه اسلامی جرح و تعدیل کند (چوکسی، 1381). نگاهی گذرا به ادبیات و آثار دستوران و موبدان زردشتی در سده‌های نخستین اسلامی نشان می‌دهد (دومناش، 1385: 467 - 485)، همپای شکل‌گیری علم کلام در جامعه اسلامی، بحث‌های کلامی و ستیز با جُددینی، که در کیش کهن پیشینه درازی داشت، بار دیگر بالا گرفت. اما آنچه آثار کلامی زردشتیان را در روزگار اسلامی از مباحث کلامی آنان به روزگار ساسانی جدا می‌سازد تغییر از کلام تهاجمی به کلام تدافعی است. اگرچه در زمان ساسانی به برکت اقتدار حکومت حقایق دین اثبات شده بود و دستوران زردشتی توجیه‌گران محکومیت جُددینان بودند، پس از اسلام می‌بایست با دلایل منطقی و مبتنی بر خرد از آموزه‌های کهن دفاع می‌کردند و نشان می‌دادند که هر آنچه دین نو بر آن می‌بالد جملگی در کیش کهن هست. از این‌روست که مباحثی چون تفسیر توحیدی ثنویت، تأکید بر وجود وحی و نبوت، و برجسته‌سازی معادشناسی زردشتی - که در شاخ و برگ و تصورات اساطیری مفصل‌تر و عینی‌تر از آموزه‌های انتزاعی دین جدید بود - در کلام زردشتی جا باز کرد و آنان را نه‌تنها از اتهام کفر و الحاد رهانید، که به تدریج در زمره اهل کتاب جای داد و حتی در سده‌های متأخر زردشت را با ابراهیم نبی یکی انگاشت.

با فاصله‌گرفتن ایرانیان از زبان و خط پهلوی و آغاز دوره نو زبان فارسی و بالندگی ادبیات آن در سده چهارم، جامعه زردشتی نیز ناگزیر شد به نقل متون و داشته‌های فکری و فرهنگی خود به زبان فارسی دری، و کم‌کم ادبیاتی، هرچند بازتولید متون و میراث کهن، به فارسی پدید آورد که بخشی از آن در زمینه کلام تدافعی زردشتی و اثبات حقایق دین کهن در پاسخ به پرسش‌های علمای مسلمان بود.

شاید بتوان گفت - البته بر اساس متون موجود - کهن‌ترین متن کلامی زردشتی به زبان فارسی رساله علمای اسلام است. این رساله را دست‌کم پیش از ششصد هجری یا در اواخر

سده ششم موبدان زردشتیان آن روزگار در پاسخ به پرسش‌های کلامی علمای اسلام تدوین کرده است (← Adhami, 2006).

## 2. علمای اسلام

علمای اسلام رساله‌ای کلامی است در اثبات باورها و حقانیت و نیز بیان آموزه‌های دیانت زردشتی، که در پاسخ به پرسش‌های دینی روحانیون اسلامی پدید آمده است. آنچه آوازه دارد، از این متن دو تحریر یا دو رساله در دست است: یک، رساله‌ای بدون تاریخ؛ دو، رساله‌ای مربوط به سال 600 ی. در رساله اول، با نام کتاب *علمای اسلام*، مسائل ذیل طرح شده و پاسخ آن‌ها آمده است: دوگانه‌بودن منشأ نیکی و بدی هستی و این‌که بدی‌ها از اهریمن است و هر مزد نمی‌تواند بد باشد؛ مسئله جبر و اختیار آدمی و تقدیر؛ تمثیل فصول که زندگی به مانند تابستان است، مرگ به مانند خزان، دنیای پس از مرگ چون فصل زمستان، و بهار رویش و رستاخیز است؛ همانندی انسان به گیتی؛ هفت آسمان و هفت زمین؛ چستی خوشی برای آدمیان؛ حقیقت رستاخیز و این‌که انسان بدون خوردن چگونه به حیات ادامه می‌دهد؛ مفهوم روزگار و زمان؛ جهان پس از مرگ به نظر زردشتیان و دیگر ادیان؛ میانجی انسان و حق در زردشتگری و دیگر دین‌ها؛ و توصیف اصول عقاید دین زردشتی از زبان موبدان موبد در برابر آموزه‌های دیگر ادیان و مذاهب، شامل حقیقت خدا و ایزد، امشاسفندان و ایزدان همکار؛ صفت هر مزد و بری بودن او از بدی؛ جدایی منشأ نیکی و بدی و روابط این دو نیرو (← داراب، 1922: 72-80).

در رساله دوم، که نام آن *علمای اسلام* به دیگر روش است، به آغاز کتاب چنین آمده است:

در عهد الدین بعد از ششصد از یزدجردی علمای اسلام یکی از دین‌آگاهی مسئله چند خواست و درین معنی سخن گفته شد و در این باب کتابی ساخته‌اند و نام این کتاب *علمای اسلام* نهاده‌اند، یعنی پیداکننده چگونگی جهان و روح مردم از ازل تا ابد (همان: 80).

چنان‌که در این توصیف هم اشاره شده، متن رساله اسطوره آفرینش هستی از زایش تا رستاخیز و پایان آن است. اما، نکته بااهمیت آن این‌که این توصیف بر اساس اساطیر و آموزه‌های فرقه و نحله زروانی است (← Zaehner, 1955: 418-409). عمده‌ترین موضوعات رساله دوم بدین قرار است: قبول داشتن انگیزش و رستاخیز و حقیقت و فلسفه آن؛ اسطوره آفرینش تا رستاخیز بر اساس آموزه‌های زروانی؛ سرانجام انسان در رستاخیز؛ اوستا و محتوای آن (← داراب، 1922: 80-86).

### 3. پیشینه پژوهش

رساله‌ی علمای اسلام، نظر به اهمیتی که در شناخت آموزه‌های زردشتی، به‌ویژه زروانی، دارد، از جمله متونی است که از سده نوزدهم میلادی توجه ایران‌شناسان را به خود جلب کرده است و تا امروز پژوهشگران ایرانی، پارسی، و اروپایی بدان توجه و آن را بررسی کرده‌اند. مول و اولسهاوزن نخستین بار در 1829 م رساله دوم را در فرانسه چاپ کردند. سپس، فوللرس (J. A. Vullers) در 1831 م آن را به آلمانی درآورد و چاپ کرد و این نخستین ترجمه از این رساله به زبان‌های اروپایی است، که البته ترجمه‌ای ضعیف ارزیابی شده است. تا این‌که در 1898 بلوشه ترجمه‌ای قابل قبول از رساله دوم به فرانسه ارائه کرد. دابار در 1923 هر دو متن را در روایات هرمزدیار به انگلیسی ترجمه کرد و زینر در 1955 ترجمه‌ای از آن را در متون مربوط به زروانیسم چاپ کرد (آموزگار، 1386: 114-115؛ Dhabhar, 1923b؛ Modi, 1922: 10-11؛ West, 1974: 123؛ Olshausen and Mohl, 1829: 38). در ایران سیامک ادهمی (2008: 1, 6) و پرویز اذکائی (1369: 341-357؛ همان: 1376: 581-600) و منزوی (1381: 152) در سال‌های اخیر برای چاپ، شرح، و ویرایش آن به فارسی و انگلیسی تلاش‌های ارزشمندی انجام دادند.

### 4. تحریرها و نسخه‌های موجود

تحریرهای رساله‌ی علمای اسلام در روایات کامه بهره، روایات هرمزدیار و پسرش، داراب هرمزدیار، و نیز کتاب دبستان مازدیسنی آمده است (داراب، 1922: 72/2 - 86؛ دبستان مازدیسنی، 1276 ی: 135-162). از این رو، همه نسخه‌های خطی مجموعه روایات و آثار یادشده برای تصحیح و ویرایش این متن دارای اهمیت‌اند (West, 1974: 123؛ Modi, 1922: 10-14, 34). دیگر دست‌نویس‌های علمای اسلام، که در کتابخانه‌های مختلف فهرست شده‌اند، از این جمله‌اند: نسخه شماره 60 کتابخانه مؤسسه کاما (Dhabhar, 1923b: 149؛ West, 1974: 123)؛ دست‌نویس شماره 9، T-30، II، کتابخانه مهرجی رانا به عنوان کهن‌ترین نسخه موجود و ظاهراً نخستین دست‌نویسی که از ایران به هند رفته است، درون روایت کاما آسا کمبایتی مورخ 896 ی (Dhabhar, 1923 a: 149)؛ نسخه شماره 10.5 فهرست کاتراک، متعلق به کتابخانه سهرابجی مروان‌جی تاتی در سورت، کتابت خورشید اسفندیار در 1030 ی و شماره (c) 402 همان فهرست، از آن کتابخانه

تهمورسپ کاواس جی مدی در سورت (Katrak, 1941: 12, 99)؛ دست‌نویس‌های شماره 13 (Haug 7) 52، صفحات 165 تا 176 کتابخانه ملی مونیخ زیر عنوان «رساله هیریدان هیرید و دستوران ایام علمای اسلام» و شماره 1.e.1, (Haug 10) 55 آن کتابخانه با نام «کتاب علمای اسلام» (Bartholomae, 1915: 87, 152). در کتابخانه ملی پاریس بیش‌ترین نسخه‌های علمای اسلام نگهداری می‌شود. میکروفیلم برخی از آن‌ها در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است: برگ‌های 52 تا 57 نسخه شماره 11, 43, Suppl. pers. XXIV مورخ 1760 م و برگ‌های 62 تا 99 نسخه شماره 7, 1022, Suppl. pers. LXIV کتابخانه ملی پاریس (Blochet, 1900: 39, 88) که میکروفیلمی از دست‌نویس دوم به شماره 914/7 - ف در دانشگاه تهران نگهداری می‌شود (دانش‌پژوه، 1348: 547؛ درایتی، 1389: 5/ 807). همچنین، برگ‌های 103 تا 108 نسخه شماره 10, 48, suppl, pers. LXVII و شماره 11, 50, suppl, pers. XXIII کتابخانه ملی پاریس (Blochet, 1900: 39, 105)؛ نسخه شماره 9, 187 مورخ 1760 م کتابخانه ملی پاریس که جنگی است از رسالات مختلف پهلوی و فارسی (ibid, 1905: 153) و میکروفیلمی از آن به شماره 4115/1 - ف زیر نام «سائل دینی زردشتی» در دانشگاه تهران نگهداری می‌شود (دانش‌پژوه، 1363: 16 - 17؛ درایتی، 1389: 5/ 764)؛ و نیز نسخه‌های شماره 10, 199 و شماره 7, 209 کتابخانه ملی پاریس (Blochet, 1905: 161, 176)؛ نسخه شماره 10, 1942 کتابخانه بادلیان، برگ‌های 22 تا 56، حدود 1153 ق / 1740 م که همان شماره 225 مجموعه اوزلی در آن کتابخانه است (Sachau-Ethe, 1889: 1109)؛ برگ‌های 21 الف تا 26 الف نسخه شماره No. CCIX کتابخانه ایندیا آفیس با عنوان «پاسخ موبدان موبد سده چهارم هجری به پرسش‌های علمای اسلام» (Ross, 1902: 132)؛ نسخه‌ای هم از آن در مجموعه روایات داراب هرمزدیار کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران به شماره 13741 آمده است (صدرایی خوئی، 1377: 273 403؛ درایتی، 1389: 7/ 589).

## 5. سرگذشت کتاب

اگرچه تاریخ اشاره‌شده به آغاز کتاب سال ششصد یزدگردی را نشان می‌دهد، فقدان متنی واحد از این رساله مانع از آن شده است که بتوان شناخت درستی از زمان و مکان پیدایش اثر و جایگاه تاریخی آن به‌دست داد. نظر به ویژگی‌های سنت زردشتی و دگرگونی‌های

مراکز فقهی و دینی زردشتیان در سده چهارم تا دهم هجری/ یزدگردی، حتی گمانه‌زنی درباره‌ی این رساله و آثار همانند آن دشوار است. تا سده چهارم فارس مرکز اصلی زردشتیان است، ولی به تدریج سیستان، خراسان، کرمان، و ری، به عنوان مراکز دستورنشین و کانون‌های دینی اهل کیش کهن، ایفای نقش می‌کنند. سرانجام، از سده دهم به این سو فقط یزد و کرمان باقی می‌مانند. پرسش این است که رساله‌ی علمای اسلام در کدام یک از این مراکز تدوین شده است؟ رویکرد زروانی اثر در سنجش با دیگر آثار زردشتی نشان از چه دارد؟ آیا زردشتی ارتدکس روزگار اسلامی بازمانی از نحلّه زروانی بود یا نه رساله مذکور پاسخ موبدان موبد یکی از مراکز چندگانه یاد شده است که محتمل گرایش زروانی داشته است؟ به هر روی، پرسش‌هایی از این دست بسیارند و پاسخ بدان‌ها، اگر نگوییم ناممکن، بس دشوار می‌نماید.

آنچه می‌دانیم و آنچه از لابه‌لای متون روایات در فاصله سده‌های 9 تا 12 ی برمی‌آید رساله‌ی علمای اسلام بخشی از میراث دینی زردشتیان ایران است که به پیوست روایات از یزد و کرمان روانه هندوستان شد: گویا نخستین دست‌نویس آن همراه روایت کاما آسا کمبایتی در 896 ی به هند برده شد و اینک به شماره 9، II، T-30 در کتابخانه مهرجی رانا در نوساری نگهداری می‌شود (Dhabhar, 1923 a: 120). از توصیف دابار همین برمی‌آید که نسخه‌ای است کهن و احتمال متن رساله‌ی علمای اسلام آن یک پارچه است نه دربردارنده دو رساله. دسترسی به چنین متن پُراهمیتی برای نگارنده امکان‌پذیر نبود و در بررسی‌های انجام‌شده نیز کسی بدان نپرداخته است. متن یادشده می‌تواند در تعیین سرنوشت کتاب مؤثر باشد. بر اساس متون در دسترس، روشن نیست متون یادشده بازنویس‌هایی هستند از همین نسخه کهن روایت کاما آسا کمبایتی؟ یا نه برگرفته از روایات دیگرند؟ یا این که آیا همه متن از ایران به هند انتقال یافته؟ یا نه زردشتیان ایران، به فراخور پرسش‌های هم‌کیشان هندی‌شان، فقط قطعاتی از آن رساله را برای آن‌ها فرستاده‌اند؟ به هر روی، فقط با گردآوری همه متن‌های موجود می‌توان به این‌گونه پرسش‌ها پاسخ داد. ولی، آنچه اینک می‌توان گفت این است که سرنوشت این رساله پیوند نزدیکی با متون روایات پیدا کرده است و در پرتو گردآوری و شناخت همه دست‌نویس‌های روایات گره معمایی آن گشوده خواهد شد.

## 6. علمای اسلام یک یا دو رساله؟

اگرچه این رساله تا کنون بارها بررسی شده، واقعیت این است که بررسی‌های یادشده

معطوف به موارد ذیل بوده است: الف) تصحیح و ترجمه متن، اغلب رساله دوم (← Olshausen and Mohl, 1829؛ Dhabhar, 1932؛ اذکائی، 1379)؛ ب) تأکید بر محتوای زروانی رساله (Zaehner, 1955)؛ ج) تأثیر فلسفه افلاطونی در آموزه‌های زردشتی (Adhami, 2008). آنچه اهمیت دارد شناخت دقیق ما از چند و چون و حدود و ثغور این متن است که، به‌رغم تلاش‌های دو سده گذشته، هنوز محقق نشده است و به‌درستی بازمانده‌های رساله یادشده با هم سنجیده نشده‌اند، و این پرسش طرح نشده که چرا از یک متن با یک عنوان واحد دو یا چند رساله متفاوت در دست داریم؟

حقیقت این‌که گرایش زروانی متن به‌ویژه در رساله دوم و بی‌تمایلی پژوهشگران به متون متأخر زردشتی در سنجش با متون اوستایی و پهلوی از جمله دلایل غفلت در متن‌شناسی رساله علمای اسلام است. این رساله با همه آوازه‌ای که دارد همچون دیگر متون فارسی زردشتی تا کنون ناشناخته مانده و متنی درخور از آن به‌دست داده نشده است.

آنچه از این متن برای نگارنده قابل دسترسی بود دو تحریر مندرج در روایات داراب (1922: 86-72 / 2) و پدرش، هرمزدیار (Dhabhar, 1932: 438-457)، است. متن مندرج در روایت کامه بهره منقول در دست‌نویس شماره 13741 کتابخانه مجلس شورای اسلامی (صفحات 360 الف تا 364 الف)، که جلد دوم روایت داراب هرمزدیار کتابت 1049 ی است؛ و دیگری تحریری است که در دبستان مازدیسنی، چاپ سنگی 1276 ی بمبئی (صفحات 135 تا 162) آمده است. متن‌های بالا را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: 1. دربردارنده دو تحریر یا دو رساله از جمله در روایات داراب و پدرش، هرمزدیار؛ 2. یک متن یا یک تحریر که ترکیبی از دو متن دسته 1 است و در روایت کامه بهره و دبستان مازدیسنی نمونه آن دیده می‌شود.

## 7. توصیف متن‌های موجود و قابل دسترسی

بنا بر آنچه در بالا اشاره شد، برای شناخت چند و چون متن‌های مذکور و دریافتی درست از حدود و ثغور متن‌های برجای مانده و نیز ساختار آن‌ها، ناگزیریم آن‌ها را به قطعات گوناگون تقسیم کنیم و آن‌ها را با یکدیگر تطبیق دهیم:

قطعه A: داراب، 80 / 2: از آغاز سطر 14، «در عهد الدین بعد از ششصد از یزدجردی ... تا صفحه 85، میانه سطر 15، «... و عقوبت روان را باشد پیش از رستخیز»؛ برابر با: روایت کامه بهره، دست‌نویس کتابخانه مجلس، برگ 360 الف، سطر 1 تا برگ 362 ب،

اواخر سطر 2. برای تطبیق این قطعه با متن دبستان مازدیسنی، ناگزیر باید آن را به سه قطعه کوچک‌تر تقسیم کرد:

قطعه A<sub>1</sub>: داراب، 80/2: از آغاز سطر 14، «در عهد الدین بعد از ششصد از یزدجردی ...» تا صفحه 84، اوایل سطر 16، «... و دیوان که با مردم‌اند بسودند» برابر با: روایت کامه بهره، دست‌نویس کتابخانه مجلس، برگ 360 الف، سطر 1 تا برگ 362 الف، اوایل سطر 4؛ دبستان مازدیسنی، صفحه 135، سطر 1 تا صفحه 145، اواخر سطر 9، درباره 1. چگونگی تألیف کتاب علمای اسلام؛ 2. پاسخ موبدان موبد به معنی انگیزش یا رستاخیز در نزد زردشتیان و این‌که زردشتیان این موضوع را قبول دارند یا نه.

قطعه A<sub>2</sub>: داراب، 84/2: از اوایل سطر 16، «بعد از آن بهشتی و دوزخی را کالبد برانگیزند ...» تا صفحه 85، میانه سطر 8، «... و پاداش دهد از نیکویی‌های خویش» برابر با: روایت کامه بهره، دست‌نویس کتابخانه مجلس، برگ 362 الف، اوایل سطر 4 تا اوایل سطر 16؛ درباره معاد جسمانی، معاد و حساب‌نداشتن حیوانات، و پاسخ به این پرسش که هدف خداوند از آفریدن و میراندن و باز زنده کردن چیست؟

قطعه A<sub>3</sub>: داراب، 85/2: از میانه سطر 8، «و آن بیست‌ویک نسک اوستا که می‌گویند ...» تا صفحه 85، میانه سطر 15، «... و عقوبت روان را باشد پیش از رستاخیز» برابر با: روایت کامه بهره، دست‌نویس کتابخانه مجلس، برگ 362 الف، اوایل سطر 16 تا برگ 362 ب، اواخر سطر 2، درباره بیست‌ویک نسک اوستا و زند و پازند.

قطعه B: داراب، 76/2: از آغاز سطر 6، «در دیگر مذهب که گویند که کس که میرد ار گناهی دارد ...» تا صفحه 77، میانه سطر 4، «... و درین معنی چهار فصل سال مانند کرده‌اند» برابر با: روایت کامه بهره، دست‌نویس کتابخانه مجلس، برگ 362 ب، اواخر سطر 2 تا اوایل سطر 21؛ صفحه 152، میانه سطر 11 تا صفحه 154، میانه سطر 16. درباره عقاید ادیان و مذاهب مختلف راجع به قیامت و رستاخیز، و این‌که سرنوشت نهایی انسان چیست؟ و آیا رستاخیز و جهان دیگر هست یا همه چیز به این جهان محدود می‌شود؟

قطعه C: داراب، 74/2: از اواخر سطر 7، «و تابستان به اندک چیزی زندگی می‌توان کرد ...» تا صفحه 76، پایان سطر 5، «... و عقوبت روان را باشد و پیش از رستاخیز» برابر با: روایت کامه بهره، دست‌نویس کتابخانه مجلس، برگ 362 ب، اواخر سطر 21 تا برگ 363 ب، اوایل سطر 17؛ دبستان مازدیسنی، صفحه 148، آغاز سطر 1 تا صفحه 152، میانه سطر 11. شامل 1. تفسیر فصل‌های سال و همانندی آن‌ها با سرگذشت انسان در این جهان و



جهان پس از مرگ؛ 2. مانند کردن مردم (انسان) به گیتی؛ 3. هفت آسمان و هفت زمین در اوستا و همانندی پیکر آدمی با آن‌ها و آتش‌هایی که در وجود آدمی و نباتات و دیگر چیزهاست؛ 4. پاسخ به پرسش: در رستاخیز آتشی [که] در تن ما باشد بی خورشن چون تواند بود؟ تبیین معنی شادی و زمان در ذیل پاسخ به این پرسش.

قطعه D: داراب، 85/2: از میانه سطر 15، «شگفت‌تر این‌که فرزند به دبیرستان می‌فرستیم و نیکی‌شان می‌آموزیم ...» تا صفحه 86 پایان سطر 5، «... ایدون باد. تمام شد کتاب علمای اسلام». در موضوع نیکی و بدی و بازگشت آدمی به سوی خدا و لزوم اجرای آن‌چه او گفته است.

قطعه E: داراب، 73/2: از میانه سطر 6، «مثل او هیچ چیز اندر جهان نیست ...» تا صفحه 74، اواخر سطر 7، «... و بد می‌توان کردن پس بی تقدیر بود» برابر با: دبستان مازدیسنی، صفحه 145، اواخر سطر 9 تا صفحه 147، پایان سطر 18. درباره عدم انتساب یا انتساب اعمال شر و ظلم موجود در هستی به خداوند و ارتباط آن با جبر و اختیار انسان.

قطعه F: داراب، 72/2: از اوایل سطر 14، «موبدان موبد گوید که دین بهی از روزگار شاه فریدون ...» تا صفحه 73، میانه سطر 6، «... و کفایت خسروان که بر روی روزگار باقی خواهد ماند». این قطعه در بردارنده اشاره‌ای گذرا به تاریخ رواج دین بهی در ایران و بقای آن تا رستاخیز است.

قطعه G: داراب، 77/2: از میانه سطر 4، «به این جهان چرا زیرا که اگر خواهند ...» تا صفحه 77، میانه سطر 7، «... این گیتی پتیاره‌مند ناگاه خواهد گذشت» برابر با: دبستان مازدیسنی، صفحه 154، میانه سطر 16 تا صفحه 155، پایان سطر 6. این قطعه به دگرگونی زمانه در روزگار مؤلف اشاره می‌کند و از این‌روست که او برای گمراه‌نشدن اهل دین می‌کوشد تا اصل و حقیقت آن را به پیدایی آورد.

قطعه H: داراب، 77/2: از اواخر سطر 7، «موبدان موبد گفت که ایزدان و ...» تا صفحه 80، میانه سطر 6، «... و بعد از آن همه نیکی و کام یزدان بود». برای تطبیق این قطعه با متن دبستان مازدیسنی، ناگزیر آن را باید به سه قطعه کوچک‌تر تقسیم کرد:

قطعه H1: داراب، 77/2: از اواخر سطر 7، «موبدان موبد گفت که ایزدان و ...» تا صفحه 78، اوایل سطر 9، «... و درست شد و هیچ شبهتی نماند» برابر با: دبستان مازدیسنی، صفحه 155، آغاز سطر 7 تا صفحه 157، پایان سطر 15. درباره این‌که ایزدان و امشاسفندان همکاران خدا هستند و نام خدای تعالی یَزَد است. نیکی و بدی هر دو نمی‌توانند به ذات

خدا نسبت داده شوند، زیرا ذات خدا از بدی بری است. تلاش برای پاسخ عقلی به این مسئله که محل اختلاف زردشتیان و مسلمانان بوده است.

قطعه H<sub>2</sub>: داراب، 78/2: از اوایل سطر 9، «که چیست در اول این مسائل که ...» تا صفحه 79، میانه سطر 6، «... و از وی دو فعل لازم نیاید، یعنی هستی و نیستی» با موضوع پاسخ عقلی به شبهه دیگر که محل اختلاف با علمای اسلام بوده است: زردشتیان اهریمن را خدا نمی‌دانند، زیرا جوهر خدای تبارک و تعالی بسیط است و از آن دو فعل متضاد بر نمی‌آید.

قطعه H<sub>3</sub>: داراب، 79/2: از میانه سطر 6، «مثله چهارم این طریق سؤال و جواب می‌افتد ...» تا صفحه 80، میانه سطر 6، «... و بعد از آن همه نیکی و کام یزدان بود» برابر با: دبستان مازدیسنی، صفحه 157، آغاز سطر 16 تا صفحه 160، اواخر سطر 2، درباره 1. پاسخ به مسئله چهارم یا این سؤال که وجود دو صانع محال عقل است؛ 2. پاسخ به این پرسش که صانع خیر و صانع شر توانند یک‌دیگر را نابود کنند؟

قطعه I: داراب، 80/2: از میانه سطر 6، «و دگر هر که با وی سخن گوید باید که عقل باشد ...» تا پایان سطر 11، «... ما را از جمله رستگار و استوار گرداناد و از کرم خویش و مرحمت این مسائل» برابر با: دبستان مازدیسنی، صفحه 161، میانه سطر 13 تا صفحه 162، پایان سطر 10.

قطعه J: داراب، 72/2: از آغاز سطر 10، «سپاس و ستایش مر خدای را ...» تا اوایل سطر 14، «... نادانی و گمراهی نگاه دارد» سرآغاز رساله اول مندرج در روایات داراب هرمزدیار است که در آن، بعد از حمد خدا و پیامبر و پاکان و نیکان، به الایان اشاره شده است. در الایان اصل دین چهار مسئله ذکر شده است.

بر اساس قطعات وصف‌شده، ساختار و محتوای هر متن را چنین می‌توان توصیف کرد:

روایت کامه بهره: D←C←B←A

داراب، علمای اسلام، رساله نخست: I←H←G←B←C←E←F←J

داراب، علمای اسلام، رساله دوم: D←A

دبستان مازدیسنی: I←A<sub>2</sub>←H<sub>3</sub>←H<sub>1</sub>←G←B←C←E←A<sub>1</sub>

## 8. مبانی و معیارهایی برای تقسیم‌بندی و بازسازی متن

مهم‌ترین مبنا در تقسیم متن به قطعات بالا وجود قطعات مشترک در متن‌های موجود است. به سخن دیگر، هر متن دو بخش دارد: یا دربردارنده مطالب منحصر به فردی است که در

دیگر متون نیامده؛ یا حاوی مطالبی است که در متون دیگر هم آمده. مطالب دسته اول یک قطعه به‌شمار آمده و مطالب گروه دوم نیز، بنا بر این‌که به چه میزان و در چند متن آمده‌اند، درخور تقسیم به قطعات مختلف اند: از باب نمونه، قطعه A در روایت کامه بهره و رساله دوم متن داراب هرزمدیار عیناً آمده، ولی همین متن در دبستان مازدیسنی فقط در حدود هشتاد درصد آن، آن هم نه یک جا و پیوسته، بلکه با فاصله در آغاز و پایان آن متن دیده می‌شود. از این رو، ناگزیر متن یادشده به سه قطعه کوچک‌تر A<sub>1</sub> و A<sub>2</sub> و A<sub>3</sub> تقسیم شد. همچنین، متن H نیز وضعیت همانندی دارد.

نکات دیگر که در بازسازی متن اهمیت فراوانی دارد پیوستگی موضوعی متن، شواهد متنی دال بر پیوستگی متن، و نیز پرسش‌های مطرح‌شده از سوی علمای اسلام است: قطعات یادشده همگی دربردارنده موضوع و مفهومی هستند که کمک می‌کند آن‌ها را از همدیگر بازشناسیم یا به ضرورت موضوع در پی هم بیاوریم و یک متن کلی با موضوعی واحد بازسازی کنیم. چنان‌که می‌بینیم، برخی از این قطعات در موضوع رستاخیز و انگیزش‌اند. پس می‌توان آن‌ها را با هم جمع کرد. افزون بر این، در متن برخی جمله‌های کلیشه‌ای و تکراری وجود دارد که در بازشناسی و ترکیب قطعات کمک می‌کند. عبارت «موبدان موبد گفت» نشانه خوبی برای آغاز پاسخ به پرسش‌های طرح‌شده است و بر اساس آن می‌توان پاسخ‌های زردشتیان را از هم بازشناخت و متن را تفکیک کرد. قرینه همین، پرسش‌های طرح‌شده از سوی علمای اسلام است که پاره‌ای از آن‌ها در متن آمده است. این امر نشان می‌دهد که پاسخ‌هایی که در موضوع پرسش یادشده‌اند در زیر آن قرار بگیرند. همین گونه است عباراتی چون «کنون با سر حکایت خویش شویم» یا «آمدیم بر سر حکایت خویش» (داراب، 1922: 83/2 - 84) که نشان می‌دهد هر چند در یک قطعه به ضرورت کلام موضوع عوض می‌شود و نویسنده از مقصود دور می‌افتد، باز به موضوع برمی‌گردد و نشان‌دهنده آن است که این قطعه متنی پیوسته است و نباید بنا بر معیارهای موضوعی بیش از این از هم گسیخته شود.

یکی دیگر از نشانه‌های متنی که در بازسازی رساله علمای اسلام می‌تواند کمک کند اشاره نویسنده به کتاب *الایان* در قطعه J یا *دبیاچه رساله نخست مندرج* در متن داراب است (72/2) که در آن آمده است: «و در کتاب *الایان* چنین خواندم که اصل دین چهار مثله است، نوشته شد». گرچه چنین نشانه‌ای می‌تواند در تاریخ‌شناسی و درک مسائل و مطالب رساله کمک شایانی بکند، خود این نام به معمای دیگر بدل شده است. در نسخه‌های

موجود و قابل دسترس همین صورت دیده می‌شود. دابار آن را به «الادیان» تصحیح می‌کند (439-438: 1932)، که هرچند منطقی به نظر می‌رسد و پیش از هر چیز تداعی کننده کتاب معروف بیان‌الادیان ابوالمعالی به فارسی در سده ششم است، نشانی از مطالب یادشده در اثر بازمانده از ابوالمعالی دیده نمی‌شود.

با این همه، در مقدمه دوم ملل و نحل شهرستانی چهار قاعده به عنوان مبنای تعدد فرق و مذاهب بیان شده است: قاعده اول در توحید؛ قاعده دوم در قدر و عدل؛ قاعده سوم در وعده و وعید؛ و قاعده چهارم در سمع و عقل و رسالت و امامت (← 1975: 14-15). از این رو، برمی‌آید که منظور از کتاب الایان/ادیان همین ملل و النحل شهرستانی باشد و مؤلف اساس رساله خود را در شرح دیانت زردشتی بنا بر چهار قاعده یا «مثله/ مسئله» مذکور در اثر شهرستانی نهاده است. اگر چنین بپنداریم، رساله علمای اسلام را در فاصله سال‌های 521 ق (سال تألیف کتاب ملل و نحل) تا 600 ی (چنان‌که در متن رساله اشاره شده)، یعنی در نیمه دوم سده ششم هجری، به احتمال زردشتیان خراسان نگاشته‌اند، زیرا شهرستانی اهل خراسان است و اثر او در خراسان عهد سلجوقی منتشر شده است.

## 9. بازسازی متن

بر مبنای معیارهای بالا و در نظر گرفتن همه این ملاحظات، نگارنده ساختار ذیل را برای بازسازی متن بر مبنای متن‌های بررسی شده قابل دسترس پیشنهاد می‌کند: J (مقدمه رساله)؛  $I \leftarrow E \leftarrow H$  (در ثنویت و تفسیر توحیدی آن/ برابر با قاعده اول شهرستانی)؛  $D \leftarrow C \leftarrow B \leftarrow A$  (در موضوع رستاخیز/ برابر با قاعده دوم و سوم شهرستانی)؛  $G \leftarrow F$  (در وجه تاریخی دین و رسالت/ برابر با قاعده چهارم شهرستانی). از این رو، متن رساله می‌تواند در بردارنده سه بخش ذیل باشد:

الف) مقدمه و سرآغاز کتاب: ترکیبی از قطعه J و دو سرآغازین قطعه A است و به منابع کتاب و زمان تألیف و چگونگی و علت تألیف اثر اشاره می‌کند.

ب) فصل ثنویت و پرسش‌های آن: در این قطعات بحث رد اتهام ثنویت در دیانت زردشتی طرح می‌شود و زردشتیان، با تأکید بر یکتایی و یگانگی آفریدگار، خود را موحد می‌دانند و اهریمن را نه تنها آفریدگار نمی‌دانند، که در نهایت فانی می‌شمارند (بنا بر قاعده اول شهرستانی).

ت) فصل رستاخیز و پرسش‌های آن: همان متن مندرج در روایت کامه بهره منقول در دست‌نویس روایات داراب هرمز‌دیار است که در کتابخانه مجلس نگه‌داری می‌شود. این متن کل متن رساله دوم علمای اسلام را هم دربر دارد. در این فصل علمای اسلام درباره انگیزش انسان در رستاخیز و فلسفه معاد می‌پرسند و موبدان زردشتی در پاسخ درک فلسفه معاد را منوط به درک فلسفه آفرینش می‌دانند و بر اساس دیدگاه زروانی فلسفه آفرینش انسان و انگیزش او را شرح می‌دهند (بنا بر قاعده دوم و سوم شهرستانی).

ث) فصل تاریخ کیش زردشتی: این قسمت ناقص است. چنین برمی‌آید که در پاسخ به خواسته‌های علمای اسلام یا برای توجیه حقانیت دین زردشتی بر مبنای دیرپایی و مشروعیت تاریخی و کارنامه آن فراهم آمده است (بنا بر قاعده چهارم شهرستانی).

## 10. نتیجه‌گیری

بر پایه آنچه در این گفتار آمد، رساله علمای اسلام، به‌رغم آن‌که پژوهشگران آن را دو رساله مجزا می‌پندارند، یک رساله واحد است که دست‌خوش پراکندگی، خوانش‌های مختلف، و گزیده‌شدن‌های گوناگون شده است. این امر ممکن است ناشی از طبیعت روایات بوده باشد و دستوران ایران، به فراخور پرسش‌های پارسیان، بخش‌هایی از این رساله را توسط راویان مختلف به هند فرستاده باشند. سپس، در آن‌جا همین گزیده‌های مختلف بازنویسی و نشر شده باشند. این امکان نیز هست که اصل رساله به هند منتقل شده باشد و در آن‌جا روایت‌پردازانی چون داراب و پدرش، هرمز‌دیار، و نیز دیگر دستوران و موبدان پارسی آن را گزینش کرده باشند و بر مبنای اسناد و متون مختلف و قابل دسترس هر راوی صورتی از آن را تهیه و نشر کرده باشند.

دست‌نویس T-30, II, 9 کتابخانه مهرجی رانا، مورخ 896 ی، مهم‌ترین نسخه‌ای است که می‌تواند پاسخی قطعی برای فرضیه‌های بالا به‌دست دهد که تاکنون بدان توجهی نشده است. با این همه، آنچه در دسترس ماست نشان می‌دهد قابلیت آن را دارد که بر اساس شواهد متنی و پیوستگی‌های موضوعی و ... در یک رساله واحد تجمیع و بازسازی شود.

## منابع

- آموزگار، ژاله (1386). زبان، فرهنگ، اسطوره، تهران: معین.  
اذکائی، پرویز (1369). «رساله زروانی علمای اسلام»، چیستا، س 8، ش 3.

اذکائی، پرویز (1376). «رساله زروانی علمای اسلام»، میراث اسلامی ایران، دفتر 4، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.

چوکسی، جمشید گرشاسب (1381). ستیز و سازش زردشتیان مغلوب و مسلمانان غالب در نخستین سده های اسلامی، ترجمه نادر میرسعیدی، تهران: ققنوس.

داراب هرمزدار (1922). روایات، با مقدمه جی جی مودی، جلد 2، چاپ اونوالا، بمبئی: بی نا.  
دانش پژوه، محمد تقی (1348). فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج 1، تهران: دانشگاه تهران.

دانش پژوه، محمد تقی (1363). فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج 3، تهران: دانشگاه تهران.

دبستان مازدیسنی (1276 ی). به سعی و اهتمام رستم و خدارحم فرزندان بهرام سروش تفتی، بمبئی: بی نا.  
درایتی، مصطفی (1389). فهرست واره دست نوشته های ایران (دنا)، ج 5 و 7، تهران: کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

دومناش، ژ (1385). ادبیات زردشتی پس از فتوح مسلمانان، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه حسن انوشه، ج 4، تهران: امیرکبیر.

الشهرستانی، محمد بن عبدالکریم (1975). الملل و النحل، تحقیق محمد سید کیلانی، ج 1، بیروت.  
صدرایی خوئی، علی (1377). فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج 36 و 37، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

منزوی، احمد (1382). فهرست واره کتاب های فارسی، ج 6، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

Adhami, Siamak (۲۰۰۶). "OLAMĀ-YE ESLĀM", *Iranica*, [http:// www. Iranica online.org/ articles/olama-ye-eslam](http://www.Iranicaonline.org/articles/olama-ye-eslam).

Adhami, Siamak (۲۰۰۸). "Evidence of another platonic dialogue in the doctors of Islam I ('ULAMĀ-YE ESLĀM)", One for the earth: prof. Dr. Y. Mahyarnawabi memorial volume, ed. M. Jaafaridehaghi, Terhran: Center for the great Islamic encyclopedia.

Bartholomae, Christian (۱۹۱۵). *Die zendbandschriften der k, Hof – und staatsbibliotek in München*, München.

Bloch, Edgar (۱۹۰۰). *Catalogue des Manuscrits Mazdeens (Zend, Pehlvi, Parsis et Persanes) de la Bibliothequenationale*, Besancon.

Bloch, Edgar (۱۹۰۵). *Catalogue des Manuscritspersans*, Tome I, Iv, Paris.

Dhabhar, Bamanji Nasarvanji (۱۹۲۳ a). "Descriptive catalogue of all Mss", *the frst Dastur Meherjirana library-navsari*, Bombay.

Dhabhar, Bamanji Nasarvanji (۱۹۲۳b). *The K. R cama oriental Institute catalogue*, Bombay.

Dhabhar, Bamanji Nasarvanji (۱۹۳۲). *The persion Rivayats of HormazyarFramarz and other*, Their version with introduction and notes, Bombay.

Katrak, Jamshedcawaji (۱۹۴۱). *Oriental treasures*, Bombay.

- Modi, Jivanjijamshedji (۱۹۲۲). "Introduction to [ Darab Hormazdyar's Rivayat]", *Darab Hormazdyar Rivayat*, vol. I, Bombay.
- Olshausen and Mohl (۱۸۲۹). *Fragmens relatives a la Religion de zoroastreextraits des manuscrits persans de la Bibliotheque du roi*, Paris.
- Ross, E. Denison and E. G. Brown (۱۹۰۲). *Catalogue of two collections of persion and Arabic manu-scripts preserved in the India office library*, London.
- Sachau-Ethe (۱۸۸۹). *Catalogue of the persion, Turkish, Hindūstāni Andpushtū manuscripts in the Bodleian library*, Begun by ed. Sachau continued completed and ed. By H. Ethe part I, oxford.
- West, Edward W. (۱۹۷۴). "The Modern-persion Zoroastrian literature of the parsis", *Grundriss der Iranischenphilologie (GIP)*, Band II, Strassburg.
- Zaehner, R. C. (۱۹۵۵). *Zurvan a zoroostrian Dilemma*, London.

Archive of SID